



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما با توفیق پروردگار در کتاب الصوم بود، کتاب الصوم عروه که محور اصلی بحث ما می باشد چهارده فصل دارد که ما فصل اول و دوم آن را تمام کردیم و مشغول بحث در فصل سوم بودیم، عرض کردیم عنوان فصل سوم این است که اگر مفطرات صوم با عمد و اختیار صورت بگیرند موجب بطلان آن می شوند فلذا اگر کسی سهواً مرتکب آنها شود روزه اش باطل نیست و همچنین اگر ایجار باشد یعنی اینکه کسی را بخوابانند و آب به حلقش بریزند روزه اش باطل نیست.

خوب بحث امروز ما در مسئله پنجم از فصل سوم می باشد صاحب عروه در این مسئله می فرماید؛ (مسئله ۵) : **إذا غلب علی الصائم العطش بحيث خاف من الهلاك يجوز له أن يشرب الماء مقتصرًا علی مقدار الضرورة، ولكن یفسد صومه بذلك، و یجب علیه الامساک بقية النهار إذا كان فی شهر رمضان، و أما فی غیره من الواجب الموسع و المعین فلا یجب الامساک، وإن كان أحوط فی واجب المعین.**

اگر عطش شدید بر صائم غلبه کند به طوری که اگر آب نخورد خوف هلاکت او وجود داشته باشد در این صورت چند مطلب بوجود می آید؛ مطلب اول اینکه جایز بلکه واجب است که در این صورت به مقدار ضرورت آب بخورد زیرا یک واجب مهمتری یعنی حفظ نفس بوجود آمده است، مطلب دوم این است که در فرض مذکور اگر آب خورد آیا روزه اش باطل است یا نه؟ بله قاعدتاً روزه اش باطل است زیرا این شخص یکی از مفطرات که شرب باشد را عمداً و اختیاراً مرتکب شده است، و اما مطلب سوم اینکه در فرض بطلان روزه اش آیا واجب است که این شخص تا غروب امساک کند یا نه؟ در این صورت امساک واجب است و روایاتی داریم که بر این مطلب دلالت می کنند که بعداً آنها را می خوانیم، و مطلب چهارم اینکه آیا این حکم (امساک) اختصاص به صوم رمضان دارد یا اینکه اعم از صوم رمضان و غیره می باشد؟ صاحب عروه می فرماید در واجب موسع مثل نذر موسع امساک واجب نیست ولی بنابر احتیاط مستحب در واجب معین مثل نذر معین باید امساک کند، خوب این ها مطالبی بود که در این مسئله پنجم مطرح شده بود که یک به یک به عرضتان رسید.

خوب و اما در مورد مطلب اول باید عرض کنیم که چونکه تحمل عطش شدید سخت است فلذا قاعده عسر و حرج وجوب امساک را بر می دارد و همچنین اگر نخوردن آب ضرر داشته باشد قاعده لاضرر وجوب امساک را بر می دارد و جواز که در عبارت ذکر شده به معنای اعم یعنی وجوب می باشد به عبارت دیگر **يجوز له أي یجب له** زیرا حفظ نفس واجب است، البته عرض کردیم که شرب آب در این صورت واجب است منتهی به قدر ضرورت نه بیشتر که در این مورد روایاتی هم داریم که در باب ۱۶ از ابواب من یصح منه الصوم ذکر شده اند، مثلاً خبر اول از این باب ۱۶ این خبر است: **« محمد بن یعقوب، عن أحمد بن إدريس و غیره، عن محمد بن أحمد، عن أحمد بن الحسن، عن عمرو بن سعید، عن مصدق بن صدقة، عن أبي عبدالله (ع) فی الرجل یصیبه العطاش حتی یخاف علی نفسه، قال: یشرب بقدر ما یمسک به رmqه و لا یشرب حتی یروی»**. در سند خبر دقت کنید، کلینی از احمد بن ادريس ابوعلی الاشعری که از اساتید مهم او می باشد نقل کرده است و کلینی از طبقه ۹ و احمد بن ادريس از طبقه ۸ می باشد در ادامه کلمه **و غیره** ذکر شده یعنی کلینی این خبر را هم از احمد بن ادريس و هم از غیر از او نقل کرده است، بعد از محمد بن احمد بن یحیی بن اشعری قمی که از محدثین بزرگ طبقه ۷ می باشد نقل کرده و بعد از محمد بن الحسن که البته در داخل پرائنتر الحسین هم ذکر شده که الحسین صحیح است یعنی مراد محمد بن حسین بن ابي الخطاب است که از محدثین بزرگ ما می باشد پس الحسن غلط است و بعد ایشان از عمرو بن سعید عن مصدق بن صدقة عن عمار بن موسی ساباطی نقل می کند که هر سه نفر اینها فطحی المذهب اند و لکن تقه هستند از این جهت این خبر موثق می باشد. خوب در وسائل العطاش ذکر شده زیرا ایشان از کافی نقل می کند ولی در تهذیب و فقیه العطش آمده است و معلوم است که عطاش با عطش فرق دارد چرا که عطاش یعنی کسی که داء و مریضی عطاش دارد یعنی از آب خوردن سیر نمی شود و هر چند دقیقه یکبار باید آب بخورد که خوب این شخص می تواند روزه نگیرد البته باید کفاره بدهد که بعداً درباره ذوالعطاش بحث خواهیم کرد بنابراین العطش درست است و این مطلب (العطاش و العطش) را آیت الله خوئی در جلد اول مستند العروه مورد بحث و بررسی قرار داده اند، البته در روایت (طبق نقل صاحب وسائل) گفته شده؛ **یصیبه العطاش** که این غلط است چرا که عطاش یک مرضی است که دیگر یصیبه ندارد بلکه باید گفته شود؛ **أصابه العطاش** فلذا معلوم می شود که العطش درست است زیرا در این صورت است که گفته می

شود **یصیبه العطش** ، خوب همانطور که می بینید در این روایت گفته شده که واجب است **بقدرمایمسک به رقمه** آب بخورد نه اینکه به قدری بخورد که سیراب شود و متن حدیث بسیار روشن است .

و اما خبر دوم از این باب ۱۶ این خبر است : **« و عن علی بن ابراهیم ، عن أبیه ، عن إسماعیل بن مرار ، عن یونس ، عن المفضل بن عمر قال : قلت لأبی عبدالله (ع) إن لنا فتیات و شباناً لا یقدرن علی الصیام من شدّة ما یصیبهن من العطش ؟ قال : فلیشربوا بقدر ما تروى به نفوسهم و ما یحذرون »** . اسماعیل بن مرار توثیق نشده است فلذا خبر از جهت او ضعیف است ، آیت الله خوئی در مستند العروة جلد ۱ ص ۲۶۹ گفته اند خبر ضعیف است ولی ایشان در معجم رجال حدیث فرموده اند که اسماعیل بن مرار ثقه است زیرا او در سند تفسیر علی بن ابراهیم واقع شده است ، آیت الله خوئی در اول معجم رجال حدیث راههایی را برای تشخیص وثاقت ذکر کرده اند من جمله اینکه کسانی که در سلسله سند تفسیر علی بن ابراهیم و کامل الزیارات ابن قولویه واقع شوند ثقه هستند زیرا این دو نفر در اول کتابهایشان گفته اند کسانی که ما از آنها خبر نقل می کنیم وثاقت دارند فلذا شهادت این دو بزرگوار به وثاقت کافی است که **کل من وقع فی اسناد کامل الزیارات و تفسیر علی بن ابراهیم ثقه** باشد ، ما این حرف را قبول نداشتیم و عرض کردیم که باید ببینیم باب توثیق چه بایی است؟ آیا باب شهادت است یا باب رجوع به اهل خبره است که این دو باب با هم فرق دارند؟ باب رجوع به اهل خبره یعنی رجوع به کسی که خبرویت دارد و ما با رجوع به آن اطمینان حاصل می کنیم یعنی قول خبره ولو اینکه کافر و فاسق باشد اگر موجب اطمینان شود حجت است فلذا در اینجا دیگر عدالت شرط نیست اما در باب شهادت عدالت معتبر است تا قبول شود ، و اما رجوع کردن به علمای علم رجال امثال کشی و نجاشی و غیرهما از باب رجوع به اهل خبره می باشد اما ما علی بن ابراهیم و ابن قولویه را جزء خبرگان علم رجال نمی دانیم بلکه این دو محدث هستند فلذا توثیق این دو برای ما حجت نیست بلکه فقط برای خودشان حجت است زیرا باب توثیق باب رجوع به اهل خبره می باشد بنابراین ما مبنای آقای خوئی را قبول نداریم ، خوب همانطور که ملاحظه می کنید در این خبر هم گفته شده است به آن اندازه ای که ترسی از هلاکت دارند آب بخورند تا عطششان برطرف شود نه اینکه به اندازه سیراب شدن آب بخورند و کلمه **وما یحذرون** جمله قبل از خودش را تفسیر می کند ، خلاصه اینکه دلالت روایت اول روشن است ولی این خبر ضعیف است .

خوب عرض کردیم که این اشخاص می توانند برای دفع هلاکت کمی آب بخورند ولی بعد از خوردن روزه آنها باطل است زیرا عمداً و اختیاراً آب خورده و مرتکب مفطر شده است یعنی هرچند که برای دفع هلاکت بر او واجب بود که اندکی آب بخورد ولی روزه اش باطل است و باید قضای آن را بجا بیاورد ولی کفاره ندارد زیرا عذری برای افطار داشته است . اما عرض کردیم که باید بقیه روز را امساک کند زیرا ظاهر حدیث براین مطلب دلالت دارد البته اگر ما بودیم و این حدیث نبود ، مشکل بود که بگوئیم واجب است بقیه روز را امساک کند چون روزه اش باطل شده و دیگر دلیلی بر امساک وجود ندارد البته ما روایاتی داریم که دلالت دارند بر اینکه اگر کسی مکلف بر روزه باشد و عسیاناً روزه اش را بخورد تأذّباً باید تا افطار امساک کند اما این حکم درباره کسی است که مکلف به صوم باشد ولی در مانحن فیه به خاطر خوف و عسر و حرج و ضرر تکلیف از او برداشته شده است بنابراین ظاهر خبر دلالت داد بر اینکه فقط باید بقدر دفع هلاکت و ضرورت آب بخورد که مترادف این مطلب این می شود که در بقیه روز نباید چیزی بخورد و باید امساک کند . و اما در مورد مطلب چهارم (اختصاص حکم به رمضان یا اعم از آن) باید عرض کنیم که صاحب عروة می فرمایند که این حکم فقط اختصاص به صوم رمضان دارد زیرا روایت ظهور در رمضان دارد و در غیر رمضان هم مقتضای قاعده این است که وقتی صومش را باطل کرد صائم نیست فلذا دیگر واجب نیست که امساک کند....

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین